

روس‌ها دیگر به پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد برنمی‌گردند

مرگ «INF» از تب بی‌اعتمادی به امریکا

دولت ترامپ با توجه به ملاحظاتی مانند تقویت توانمندی‌های هسته‌ای امریکا و تضعیف روسیه از طریق به راه‌انداختن مسابقه تسلیحاتی جدید، مسکو را متهم به نقض پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (INF) کرد. بهانه این اقدام امریکا، نقض مفاد این پیمان از طرف روسیه با عملیاتی کردن موشک کروزر جدید به ۹م ۲۲۹ بود. در عین حال واشنگتن بر این گمان است که پایبندی به این پیمان، امریکا را از توسعه موشک‌های جدید برای مقابله با زرادخانه موشکی چین در شرق آسیا بازمی‌دارد. با توجه به این موارد، دولت ترامپ ضمن تعلیق اجرای پیمان INFاز ۱۳ بهمن ۱۳۹۷ (۲۱ فوریه ۲۰۱۹)، شرط خود برای ادامه عضویت در این پیمان را پایبندی روسیه در نظر گرفت. روسیه نیز در اقدامی متقابل، با تأکید بر نقض این پیمان از طرف امریکا با استقرار سامانه ضد موشکی در شرق اروپا، توسعه نوع بهسازی شده بمب‌اتمی تاکتیکی بی-۶۱ و استقرار پهپادهای مسلح در اروپا با فرمان ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور این کشور، اجرای پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد را به حالت تعلیق در آورد.

■ **خروج از پیمان**

مایک پمپئو وزیر خارجه امریکا شش ماه بعد از تعلیق «INF»، روز جمعه ۱۱ مرداد ۱۳۹۸ (۱۲ اگوست ۲۰۱۹) به صورت رسمی خروج امریکا را از این پیمان اعلام کرد و روسیه را مقصر عهدشکنی واشنگتن دانست. روسیه در توثیق خود ضمن تکرار ادعای پایبند نبودن به پیمان INF، نوشت: «در دوم فوریه ۲۰۱۹، امریکا به روسیه شش ماه فرصت داد تا به پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد پایبند بماند، روسیه مخالفت کرد، پس این توافق امروز پایان می‌یابد. امریکابخشی از توافقی نخواهد بود که طرف دیگر آن را نقض می‌کند. روسیه تنها مقصر پایان اجرای پیمان است.» دولت ترامپ و به تبعیت از وی ناتو، روسیه را به نقض پیمان INF متهم کردند و مدعی شدند این کشور موشک کروزر ۹م ۲۲۹ با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای و با برد بیش از ۵۰۰ کیلومتر تولید کرده‌است. ادعایی که روسیه آن را رد کرد. وزارت خارجه روسیه در این اقدام واشنگتن اعلام کرد اجرای پیمان منع موشک‌های میان‌برد هسته‌ای از روز جمعه ۱۲ اگوست به خاطر امریکا به پایان رسید. مسکو این اقدام واشنگتن را اشتباهی بزرگ نامست. امریکا و شوروی، در دسامبر ۱۹۸۷ پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد امضا کرده بودند. پیمان INF، ضمن نابودی موشک‌های کروزر و بالستیک ممنوعه طبق این پیمان، واشنگتن و مسکو را از استقرار موشک‌های بالستیک و کروزر در اروپا برده بین ۵۰۰ تا ۵۵۰ کیلومتر منع می‌کرد. لغو پیمان

INF نگرانی شدید اروپایی‌ها را به دنبال داشته و آنها بار دیگر شاهد مسابقه تسلیحاتی واشنگتن و مسکو در عرصه قاره اروپا خواهند بود. پس از لغو رسمی این پیمان بین امریکا و روسیه، مقامات ارشد کشورهای اروپایی نسبت به رقابت تسلیحاتی بین کشورها هشدار دادند. دولت ترامپ تاکنون پافشاری بر خروج از پیمان‌های کنترل تسلیحات بوده و در این چارچوب، امریکا تاکنون از پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (INF) و پیمان آسمان‌های باز خارج شده و اکنون نیز برای خروج از یکی از مهم‌ترین پیمان‌های کنترل تسلیحات یعنی پیمان استارت جدید در عین حال بهانه واشنگتن برای مذاکره مجدد درباره پیمان INF، پیوستن چین به هر معاهده جدید در زمینه کنترل تسلیحات از جمله این پیمان است، با این حال این خواسته واشنگتن با مخالفت شدید یکن مواجه شده‌است. سخنگوی وزارت امور خارجه چین چندین پیش اعلام کرده‌وز زمان مناسب برای قیبال مسکو اساساً مینتی بر تضعیف روسیه در ابعاد مختلف است. دولت ترامپ این مسئله را با اعمال مواج تحریم‌ها، خروج از پیمان‌های تسلیحاتی با هدف وادار کردن روسیه برای ورود به مسابقه تسلیحاتی با امریکا، تلاش برای کاهش یا قطع ارتباط دیگر کشورها به ویژه کشورهای اروپایی با روسیه و نیز اعمال سیاست مهار روسیه از طریق افزایش حضور نظامی در مرزهای غربی این کشور انجام می‌دهد.

■ **مذاکرات بی‌نتیجه**

پس از اعلام خروج امریکا از پیمان INF، روسیه تلاش



موضع دولت ترامپ تاکنون پافشاری بر خروج از پیمان‌های کنترل تسلیحات بوده و در این چارچوب، امریکا تاکنون از پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (INF) و پیمان آسمان‌های باز خارج شده و اکنون نیز برای خروج از یکی از مهم‌ترین پیمان‌های کنترل تسلیحات یعنی پیمان استارت جدید آماده می‌شود

روسیه موضع خود در قبال این پیمان را تغییر داده‌است. سرگئی ریابکوف معاون وزیر امور خارجه روسیه روز ۲۰ تیر ۱۳۹۹ (۱۰ ژوئیه ۲۰۲۰) در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی دوما تأکید کرد خروج امریکا از پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (INF) یک «اشتباه غیرقابل جبران» است که بازگشت به این توافق را غیرممکن می‌سازد. به گفته وی، اشتباهات متعددی که امریکا مرتکب شده، موجب پیامدهای جبران‌ناپذیری شده‌است. یکی از این اشتباهات

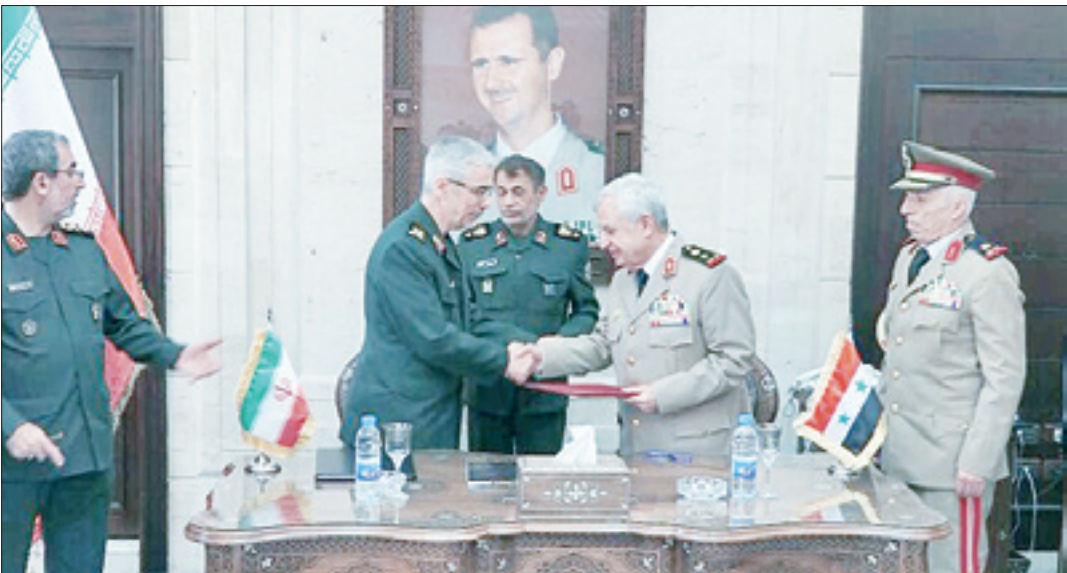
■ **تغییر موضع روسیه**

با توجه به پافشاری امریکا بر موضع خود درباره پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد (INF) و نیز «مذاکرات بی‌نتیجه» بین نتیجه‌مانند مذاکرات دو جانبه در این زمینه،

ایجاد کند، بلکه باعث شده تا همکاری بین دو وارد مرحله تازه‌ای شود که می‌تواند تهدید مستقیمی علیه ستیزجویی او در آسمان سوریه باشد.

■ **تغییر موازنه**

تغییر اساسی بعد از امضای توافق نامه همکاری نظامی بین ایران و سوریه این است که تأثیر آن بر وضعیت میدانی چگونه است و آیا می‌تواند تغییری در موازنه قدرت ایجاد کند و به عبارتی دیگر، آسمان سوریه را از رابهدر آسمان نامین رژیم اسرائیل بازیس گیرد؟ پاسخ روشن به این پرسش را فقط چند ماه بعد از استقرار سامانه‌های پدافند هوایی در سوریه و نحوه عمل آن می‌توان داد و حرف‌هایی که در این چند روز زده شده پیشتر در حد گمانه‌زنی است. برای مثال، شلوم پروم از انستیتوی مطالعات امنیت ملی اسرائیل بیستم پیشتره‌تر از مدل ایرانی است. «گمانه‌زنی مشابه این در رسانه‌های غربی و داخل رژیم اسرائیل کم نیست تا با مطرح شدن آن به نوعی جنگ روانی را در برابر توافق نامه همکاری ایران و سوریه به راه‌انداخته باشند. لازم به یادآوری است سازمان پدافند هوایی سوم خرداد همان سامانه‌ای است که پهباد پیشرفته امریکایی را بر فراز آب‌های خلیج فارس سرنگون ساخت و استقرار گسترده این سامانه یا سامانه باور ۲۷۲ در نقاط حساس سوریه نه تنها بعد عملیاتی بسیار وسیع‌تری از سامانه‌های روسی را پوشش می‌دهد بلکه آشکارا باعث تقویت هر چه بیشتر توان دفاعی سوریه به خصوص در بلندی‌های جولان می‌شود. گذشته از این، شکی نیست که اراده سیاسی جدی‌تری برای استفاده از این سامانه‌ها در مقابل حملات هوایی رژیم اسرائیل وجود دارد و آن ملاحظات منقله‌ای و فرامنطقه‌ای روس‌ها در این اراده نقشی ندارد تا این ملاحظات مثل سرنگون شدن هواپیمای تازاری روسی اول ۲۰ در سپتامبر دو سال قبل هزینه‌های مالی و انسانی را هم به بار بیاورد. به هر صورت، واکنش شدید اسرائیل کاتر، وزیر اطلاعات و ارتباطات رژیم اسرائیل، به توافق نامه همکاری بین ایران و سوریه حاکی از تأثیر این توافق نامه در همین ابتدای کار است. سر صدهای کاتر یا گلپاداردان و تهدیدهای مکرر آنها رست در یک روز بعد از امضای توافق نامه همکاری گواه بر این است که آنها از حلا تغییر موازنه را احساس کرده‌اند و از این می‌ترسند که نتوانند در آسمان منطقه نقش قبل را داشته باشند و راهبردار آسمان نامن خود را در مورد سوریه اجرا کنند.



تهران و دمشق با توافق نظامی، بالای زمین را هم برای تل‌آویو ناامن می‌کنند

باز پس‌گیری آسمان سوریه

تدریجی نیروهای ایرانی از سوریه «شروع شده اما امضای این توافق نامه نشان داد ایران نه تنها از سوریه خارج نمی‌شود بلکه بر اساس یک سندرسمی، حضور نظامی مدون و با برنامه‌ای را در دسترس کار دارد. به عبارت دیگر، این سندن و به خصوص بخش مربوط به استقرار سامانه‌های پدافند هوایی ایرانی باور ۲۷۲ و سوم خرداد پاسخ واضح و روشنی به راهبردار آسمان نامن رژیم اسرائیل است به این معنا که رژیم اسرائیل با در پیش گرفتن این راهبرد نه تنها می‌تواند به هدف خود برای پایان حضور نظامی ایران در سوریه و قطع ارتباط این کشور با جریان مقاومت منطقه‌ای برسد بلکه باعث تقویت این حضور و نزدیکی بیشتر سوریه به این جریان شده‌است. به این جهت است که مقامات فعلی رژیم اسرائیل دیگر همانند افرادی نظیر وزیر دفاع سابق نفتالی بنت نت تنها مدعی خروج تدریجی ایران از سوریه نمی‌شوند بلکه مرکز تحقیقاتی مایر آمیت در ماه می با تحلیل اطلاعات موجود از منطقه به این نتیجه رسید که ایران دو ماه پس از شیوع همه‌گیری ویروس کرونا، «به فعالیت معمول خود در



دومینوی خروج امریکا برای چیست؟

تاریخ انقضای ترتیبات بین‌المللی در مرام واشنگتن

■ **احسان شیخون**

قریب به سه و نیم‌سال از روی کار آمدن دولت ترامپ می‌گذرد. در این مدت ایالات متحده از نهادهای، سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی متعددی خارج شده، از جمله: برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، یونسکو، پیمان آب و هوایی پاریس، نفتا، شورای عالی حقوق بشر، پیمان منع موشک‌های میان‌برد هسته‌ای، پیمان نامه آسمان‌های باز و اخیراً نیز سازمان بهداشت جهانی.

اما دلیل خروج ایالات متحده از این نهادها، سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا لازم است ماهیت تشکیل این سازمان‌ها را دانسته، سپس دیدگاه‌های غالب در مورد آنها را بررسی کنیم و در انتها به دنبال دلایل خروج ایالات متحده از نهادهای بین‌المللی باشیم.

در نظام بین‌الملل معاصر دولت‌ها به خوبی دریافته‌اند که غلبه بر بسیاری از مشکلات جز در سایه تشریک مساعی به وقوع نخواهد پیوست. به ویژه در دنیای جهانی‌شده کنونی که بحران‌ها تنها به یک کشور و منطقه جغرافیایی خاص محدود نمی‌شود. نمونه تغییرات اقلیمی، بیماری‌های همه‌گیر در سطح جهان، رخدادهای تروریستی و جنگ‌ها، از این دسته‌اند. به این منظور نهادها، سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی ماهیت وجودی یافته‌اند.

اما در این میان نگاه‌ها به این موجودیت‌ها متفاوت و گاهی متعارض است. سسه نگاه غالب وجود دارد: در نگاه اول، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی ابزاری در دست دولت‌ها و به ویژه دولت‌های قدرتمند تعریف می‌شوند که در جهت رفیع نیازها، منافع و اهداف شخصی آنها اقدام می‌کنند. به این ترتیب سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی تا زمانی که به قدرت‌ها سود برسانند وجود خواهند داشت و از آنها حمایت خواهد شد. برای نمونه شورای امنیت سازمان ملل از پنج عضو اصلی و دارای حق ویتو تشکیل شده که در غالب موارد از رای خود را بر اساس هزینه فایده شخصی بیان می‌دارند. می‌توان دید که در مهم‌ترین سازمان بین‌المللی، برقراری عدالت با هزینه بی‌عدالتی صورت می‌پذیرد!

در نگاه دوم، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در راستای منافع جمعی دولت‌ها تعریف می‌شود که قبل از هزینه-فایده شخصی دولت‌ها، منافع جمعی را مدنظر قرار می‌دهد. به این ترتیب نهادها، سازمان‌ها و پیمان‌های بین‌المللی وابسته به قدرت‌ها نبوده و صرفاً نیز در خدمت منافع و اهداف دولت‌های قدرتمند عمل نمی‌کنند و حتی مستقل از اعضای تشکیل دهنده خود (دولت‌ها) اقدام می‌کنند.

نگاه سوم، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را ابزار قدرت‌های سرمایه‌دار و در مجموع جریان سرمایه‌داری برای رسیدن به منافع شخصی و انباشت سرمایه معرفی می‌کند. بنابراین تا زمانی که این نهادها و سازمان‌ها قادر حقوق بازرگان ثروت و سرمایه را برای اعضای تشکیل دهنده به ارتمان بیاورند پایدار خواهند ماند.

با توجه به سه دیدگاه کلان ذکر شده به سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی، قادر به بررسی الگوی رفتاری سیاست خارجی ایالات متحده به ویژه در دولت ترامپ در قبال این حوزه‌ها خواهیم بود.
۱- تا زمانی که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی برای دولت ایالات متحده سودرسان باشند، این کشور ضمن عدم خروج از آنها سعی در حمایت و پایدار ماندن موجودیت این سازمان‌ها و نهادها خواهد داشت. برای نمونه، این توان به نظام معروف به «برتون وودز» و سایر نهادهای مالی جهانی همچون بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی اشاره کرد. در این نظام ایالات متحده در هسته مرکزی واقع شده و با اختلاف کمتری اتحادیه اروپا قرار دارد؛ به این ترتیب نوعی جریان انباشت سرمایه از حاشیه به هسته حاکم است که در نهایت ایالات متحده و متحدان نزدیک به آن بیشترین نفع را خواهند برد.

۲- هر گاه دولت ایالات متحده نهاد بین‌المللی یا سازمانی را در تعارض با منافع و اهداف خود و نیز عدم سوددهی مطلوب بداند، یا از آن سازمان خارج شده و یا سعی در انحلال و تغییرات زیربنایی در آن نهاد داشته است، این مهم به ویژه در دولت ترامپ به اوج خود رسیده‌است، از جمله: راهی؛ خروج از یونسکو که پیش‌تر، در سال ۱۹۸۴ در دوره ریاست جمهوری ریگان تا سال ۲۰۰۳ به بهانه خط مشی ضد امریکایی انجام شده بود، بار دیگر امریکا در سال ۲۰۱۷ با این ادعا از آن خارج شد که سازمان یونسکو علیه اسرائیل مواضع جانبدارانه دارد؛ خروج از شورای حقوق بشر به دلیل آنچه ادعا شده‌ جانی‌داری‌های نهادینه شورای حقوق بشر علیه امریکاست؛ خروج از پیمان آب و هوایی پاریس با این استدلال که مانع بزگی بر سر راه تولید و توسعه شرکت‌های بزرگ نفت، گاز و زغال سنگ ایالات متحده خواهد بود و خروج از پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد با روسیه به بهانه عدم رعایت مفاد آن از سوی دولت مسکو.

در نهایت می‌توان به اعلام خروج ایالات متحده از سازمان بهداشت جهانی اشاره کرد. از زمان شیوع ویروس کرونا در ایالات متحده، رفتارهای دو گانه و گاه متضاد ترامپ در باره این بیماری که اعتراضات گسترده داخلی و بین‌المللی را به همراه داشته، نشان از بی‌تدبیری و نداشتن خط مشی مطلوبی در مبارزه با آن بوده‌است. به این ترتیب کاخ سفید برای پنهان کردن این بی‌تدبیری، سیاست خروج از سازمان بهداشت جهانی را اجرا کرد، به این بهانه که این سازمان تحت سیطره چین است و در جریان شیوع ویروس جدید کرونا با حمایت از پکن موجب گمراهی امریکا و جهان شده‌است. دولت ترامپ علاوه بر انحراف افکار عمومی به دلیل ضعف در تصمیم‌گیری، از پرداخت حق عضویت نیز معاف خواهد شد؛ امریکا سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دلار به سازمان جهانی بهداشت پرداخت می‌کرد که حدود ۱۵ درصد بودجه سالانه این سازمان است.

در نهایت چنین می‌توان دید و نتیجه گرفت که ایالات متحده تا هنگامی که یک سازمان، نهاد یا پیمان بین‌المللی در راستای اهداف و منافش سودرسان باشد، ضمن حمایت، بر ثبات و پایداری آن نهاد تأکید می‌کند و زمانی که دیگر آن سازمان یا پیمان بین‌المللی نتواند منافش را تأمین کند به هر بهانه‌ای هم که شده باشد از آن خارج خواهد شد.